تحلیل و ارزیابی سرمایهٔ اجتماعی گروه‌های خرد در راستای توسعهٔ پایدار روستایی با رویکرد تحلیل شبکه؛ مطالعهٔ موردی: استان خراسان رضوی، شهرستان باخرز

سید امیرحسین گرکانی*، مسعود حیدروند، سجاد امیری***، پارسا حقیقی******

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده
اهمیت توسعهٔ پایدار روستایی و نقش حیاتی آن در توسعهٔ بیشتر کشورهای درحال‌رشد، بر کسی پوشیده نیست و بـه بـاور کارشناسـان و دست‌اندرکاران امر تحقیق، این مهم بیش از هرچیز در گِرو برخورداری از سرمایهٔ مناسب، به‌ویژه سرمایهٔ اجتماعی از طریـق مشـارکت و اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر است. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل سرمایهٔ اجتماعی به‌منظور توسعهٔ پایدار روستایی در سه روستای شـهید بهشتی و جیزآباد و مرادآباد از توابع شهرستان باخرز استان خراسان رضوی است که در آن، پروژهٔ توان‌افزایی جوامع محلی عملیاتی شـده است. جامعهٔ هدف در این تحقیق ۹۶ نفر (۵۵ مرد و ۴۱ زن) است که عضو گروه‌های خرد توسعهٔ روستایی‌اند و در قالب ۹ گروه شـامل می‌گردد. در این مطالعه، میزان روابط اعتماد و مشارکت در شبکهٔ ذی‌نفعان با استفاده از پرسـش‌نامـه‌هـای تحلیـل شـبکه‌ای و بـر اسـاس مشاهدهٔ مستقیم و مصاحبه با تمام کنشگران، همچنین توجه به سنجش شاخص‌هـای سـطح کـلان شـبکه (از جملـه تـراکم، دوسـویگی، انتقال‌یافتگی و میانگین فاصلهٔ ژئودوزیک در دو مرحلهٔ قبل و بعد از اجرای پروژه) بررسی شده است و بیانگر میزان اعتماد و مشارکت و سرمایهٔ اجتماعی متوسط قبل از اجرای پروژهٔ توان‌افزایی جوامع محلی است. پس از اجرای پروژهٔ توان‌افزایی جوامـع محلـی، میـزان ایـن شاخص‌ها افزایش پیدا کرده و به‌حد مطلوبی رسیده است. سرعت گردش و تبادل اعتماد و مشارکت بین افراد، پـس از اجـرای طـرح، در مقایسه با قبل از اجرای آن افزایش یافته و اجرای طرح، انسجام، اتحاد و همبستگی و همکاری بین افراد را بیشتر کـرده اسـت. ازایـن‌رو، اجرای این پروژه، میزان اعتماد و مشارکت و سرمایهٔ اجتماعی را افزایش داده است و در نتیجه، بسترهای اجتماعی موردنیاز بـرای تحقـق مطلوب توسعهٔ پایدار روستایی را فراهم کرده است.

کلمات کلیدی: پروژهٔ توان‌افزایی، جوامع محلی، تحلیل شبکه، سرمایهٔ اجتماعی، توسعهٔ پایدار روستایی، شهرستان باخرز.

* دانشیار گروه معماری واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی پردیس، ایران.
** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
*** دانشجوی دکتری منابع‌طبیعی (مدل‌سازی نظام‌های اجتماعی- اکولوژیک)، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. samiri@ut.ac.ir
**** دانش آموخته کارشناسی‌ارشد مهندسی طبیعت، دانشکده علوم و فنون نوین، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

مقدمه

امروزه در دستیابی به توانمندسازی جوامع روستایی و در راستای تحقق توسعهٔ پایدار، بر سرمایه‌های مختلفی تأکید می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها سرمایهٔ اجتماعی است. در واقع این سرمایه کنار سرمایه‌های اقتصادی‌فرهنگی با تأکید بر مؤلفه‌های اعتماد و مشارکت، یکی از انواع سرمایه‌های تأثیرگذار است (قربانی، ۱۳۹۱). همچنین کنار دو عامل سرمایهٔ مالی و انسانی، رکن سوم دستیابی به توسعه را تشکیل می‌دهد و پایهٔ اصلی توسعه است (بولن و انیکس[1]، ۱۹۹۹). توسعه با مبانی پیچیده‌ای که با خودش به همراه دارد، سال‌هاست که در نوشته‌های جهانی واکاوی می‌شود و هنوز به‌عنوان اندیشه و سرمشق در نهاده‌های علمی و اجرایی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است.

توسعه یعنی فراهم‌شدن زمینه‌های لازم برای بروز و ظهور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عناطر مختلف در اجتماع و میدان‌یافتن آن‌ها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی‌های کمی و کیفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بطن جامعه و حکومت (صالحی شانجانی، ۱۳۸۴). توسعه در مفهوم کلی خودش به‌معنای ارتقای سطح مادی و معنوی و جامعهٔ انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمام افراد جامعه است. مقصود مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی همهٔ افراد است. بنابراین کوشش برای دستیابی به توسعه باید به‌شکلی باشد که منافع بیشتر مردم را در بر بگیرد. در صورتی که بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه بهره‌مند شود، نمی‌توان آن را توسعه نامید (سالاری سردری و همکاران، ۱۳۹۱). از دیدگاه توسعهٔ پایدار محلی، در محل باید با توجه به توان زیست‌محیطی، به نیازهای اقتصادی و اجتماعی ساکنان پاسخ گفت (محمد دوغایی، ۱۳۹۲).

توسعه به مفهوم عام، بهبود در همهٔ ابعاد و جنبه‌های حیات انسانی است؛ یعنی توسعه همهٔ اقشار جامعه را در همهٔ ابعاد زندگی متأثر می‌کند و در عین حال، از منابع دراختیار به‌شکل عقلایی استفاده می‌کند. در جامعهٔ روستایی چنین توسعه‌ای از طریق ایجاد تعادل اجتماعی و اقتصادی برای همهٔ اقشار مردم و احترام به حقوق آن‌ها و مشارکت آن‌ها بر پایهٔ بازگشت و اتکای منطقی بر منابع فراموش‌شدهٔ محیطی امکان‌پذیر است. به این ترتیب، برای چنین توسعه‌ای در روستا ، ظرفیت‌سازی و نهادسازی جوامع محلی نقش بسیار پراهمیتی خواهند داشت (امیری و زمان آبادای، ۲۰۱۱). یکی از چالش‌های امروز در توسعهٔ روستایی، بی‌توجهی به سرمایهٔ اجتماعی روستاییان است که شناخت آن قطعاً روند برنامه‌ریزی را به‌منظور توسعهٔ روستایی برای متخصصان مربوط تسهیل و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامه همراه می‌کند (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷). در این راستا، اهمیت توسعهٔ پایدار روستایی و نقش حیاتی آن در توسعهٔ بیشتر کشورهای درحال‌رشد بر کسی پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقیق این مهم بیش از هرچیز در گِرو برخورداری از سرمایهٔ مناسب، به‌ویژه سرمایهٔ اجتماعی از طریق مشارکت و اعتماد اجتماعی امکان‌پذیر است (ازکیا و حسنی‌راد، ۱۳۸۸).

ادبیات موضوع

مولدان (۱۳۸۱) توسعهٔ پایدار را توسعهٔ اقتصادی روبه‌رشد و متعادل، گسترش برابری و مساوات اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی در کنار هم می‌دانند. امروزه در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها، توجه به توسعهٔ پایدار روستایی الزامی است. پنج پیش‌شرط لازم برای موفقیت توسعهٔ پایدار روستایی عبارت‌اند از: نگرش فرایندی به آموزش؛ اولویت‌دادن به مردم؛ امنیت؛ قانون

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

و حفظ حقوق افراد و منابع آن‌ها؛ پایداری از طریق خوداتکایی و به فعلیت درآوردن استعدادها و تعهد و تداوم آن (صادقی، ۱۳۸۴). پس مهم‌ترین هدف توسعهٔ پایدار روستایی عبارت خواهد بود از قابل‌زیست‌کردن عرصه‌های زندگی برای نسل‌های فعلی و آینده با تأکید خاص بر بهبود و توسعهٔ مداوم روابط انسانی محیطی (طالشی، ۱۳۸۳).

توسعهٔ پایدار روستایی یعنی نگرشی همه‌جانبه و اجمالی[۲] و فرایند تعامل انسان با محیط‌زیست خویش که الگوی حاصل از این تعامل، در ابعاد سه‌گانهٔ راهبردی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، در راستای افزایش انتخاب مردم با گسترش دامنهٔ دموکراتیک، تواناسازی آن‌ها به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و کشاورزان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خویش، همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است. در این صورت، توانمندسازی وظرفیت‌سازی کانون و هستهٔ مرکزی، پارادایم جدید در این تعریف‌اند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم توسعهٔ پایدار مجموعهٔ مفاهیم متنوعی از ارزش‌ها را در بر می‌گیرد؛ ارزش‌هایی چون بازسازمان‌دهی اجتماعی، چشم‌انداز بلندمدت یا همان نگاه به آیندهٔ بهتر، مخاطرهٔ کمتر به محیط‌زیست (شریفی، ۱۹۹۹)، توانمندسازی مردم، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به دانش بومی، افزایش مهارت و آگاهی‌ها (زاهدی مازندرانی، ۲۰۰۵). در دهه‌های اخیر، سرمایهٔ اجتماعی به‌عنوان یک راه‌حل برای دستیابی به اهداف، موردتوجه بسیاری از اندیشمندان توسعه و به‌ویژه توسعهٔ پایدار روستایی قرار گرفته است. در این راستا، با توجه به زمینه‌ها و فرصت‌های مطرح‌شده برای تولید و تحقق سرمایهٔ اجتماعی و نیز توجه به محدودیت‌های مطرح‌شده در قالب نهاده‌های اصلی جامعه در مقیاس‌های خرد و میانی و کلان، می‌توان به بهره‌گیری از سرمایهٔ اجتماعی، امکان دستیابی به توسعهٔ پایدار (بهینه و مناسب) را فراهم نمود. به‌عبارت دیگر، سرمایهٔ اجتماعی هم فرایند توسعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و هم از فرایند توسعه تأثیر می‌پذیرد (غفاری، ۱۳۹۰). ازاین‌رو، یکی از اقدامات مهم در راستای نیل به توسعهٔ پایدار جوامع روستایی، تقویت سرمایهٔ اجتماعی و ظرفیت‌سازی بین افراد محلی است. عموماً در دستیابی به توانمندسازی جوامع محلی در راستای تحقق توسعهٔ پایدار محلی، بر سرمایه‌های مختلفی تأکید می‌شود که می‌توان گفت سرمایه یک منبع کلی است که اجتماع و افراد و گروه‌های اجتماعی و در نهایت کل جامعه به‌منظور تحقق اهداف خودشان از آن استفاده می‌کنند؛ یعنی ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد یا جامعه برای رسیدن به هدف‌هایشان از آن استفاده می‌کنند، سرمایه نامیده می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵). یکی از چالش‌های امروز در توسعهٔ روستایی، بی‌توجهی به سرمایهٔ اجتماعی روستاییان است. شناخت این سرمایه قطعاً روند برنامه‌ریزی را به‌منظور توسعهٔ روستایی برای متخصصان مربوط تسهیل و مشارکت آن‌ها را در اجرای بهتر برنامه به دنبال دارد. از طرفی، توجه به مقولهٔ توانمندسازی، ظرفیت سازی، توسعهٔ ظرفیتی و مشارکت ساکنان کانون‌های جمعیتی در فرایند انجام و عمل برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی از مقوله‌های مهمی‌اند که باید در برنامه‌ریزی‌های توسعهٔ روستایی موردتوجه قرار گیرند (آموندسن و مارتینز، ۲۰۱۵).

ایجاد صندوق خرد روستایی، مکانیزمی برای بسیج منابع مالی و اعطای وام‌های کوچک بدون وثیقه به مردم، به‌منظور راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزای پایدار

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

است. همچنین این مکانیزم انگیزهٔ جامعهٔ محلی، به‌ویژه زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر را برای تداوم مشارکت، تقویت می‌نماید. وجود سرمایهٔ مالی لازمهٔ تحقق هر طرح توسعه‌ای است. بنابراین تشکیل سازمان اجتماعی به‌تنهایی برای تحقق اهداف توسعهٔ یک روستا کافی نیست و تشکیل صندوق خرد روستایی در داخل گروه توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. برای پایداری و بقای بسیج منابع مالی با رویکرد صندوق خرد، تحلیل سرمایهٔ اجتماعی در ابعاد اعتماد و مشارکت امری ضروری است. شناخت این سرمایه قطعاً روند برنامه‌ریزی برای توسعهٔ روستایی را برای متخصصان مربوطه تسهیل می‌کند و مشارکت روستاییان را در اجرای بهتر برنامه‌ها به همراه دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷). سرمایهٔ اجتماعی با تأکید بر شبکه‌ای‌شدن اعتماد و روابط در داخل جامعه، نقش زیادی در توسعهٔ روستایی، به‌ویژه کارآفرینی بر عهده می‌گیرد (گالوسر[3] و همکاران، ۲۰۱۲). شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه، به‌خصوص جوامع روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل افراد است (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). این مؤلفه‌ها برآمده از سرمایه اجتماعی‌اند و در عین حال که شکل‌دهندهٔ آن‌اند، در یک رابطهٔ متعامل قرار دارند و هرکدام تقویت‌کننده دیگری است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). بنابراین سرمایهٔ اجتماعی در دو بعد درون و برون‌گروهی اهمیت دارد که ضرورت دارد در مدیریت محلی اجتماع‌محور، این دو بعد تقویت گردند.

دو بعد مشارکت و اعتماد در تعاملی دوسویه و داده و ستانده به یکدیگر سرمایهٔ اجتماعی را شکل می‌دهند که عاملی اساسی در نیل به اهداف توسعهٔ پایدار روستایی به شمار می‌آیند (قربانی، ۲۰۱۲؛ بادین و پرل، ۲۰۱۳[4]). اندیشهٔ اصلی سرمایهٔ اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی مردم را به مشارکت و اعتمادپذیری بیشتری در برخوردهایشان تشویق کند و از شرایط انفرادی بیرون آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۹). از طرفی، اعتماد و مشارکت از ابعاد مهم و اساسی در مبحث سرمایهٔ اجتماعی‌اند (پرتی و وارد، ۲۰۰۱). همچنین اعتماد معیار اصلی روابط اجتماعی پایدار است که سبب تسهیل همکاری بین افراد و کاهش هزینهٔ تبادلات می‌شود (استرون و برد، ۲۰۱۳). در دهه‌های گذشته، اعتماد بین ذی‌نفعان فاکتور کلیدی در توسعهٔ پایدار محلی است (کتکوویچ و وینتر[5]، ۲۰۰۳؛ واسکه[6] و همکاران، ۲۰۰۷) و همچنین جزء اساسی سیاست‌گذاری و اجرای موفق پروژه‌های اجتماع‌محور در حوزهٔ محیط‌زیست و منابع طبیعی به شمار می‌آید (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۲). رشد و توسعهٔ روستایی، ارتباطی تنگاتنگ با مشارکت روستاییان داردغ چراکه مشارکت در واقع کارآیی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد. ضعف مشارکت مردمی در جامعهٔ روستایی، از پویایی روستاها می‌کاهد و رشد و شکوفایی روستاها را با دشواری مواجه می‌سازد (پوررمضان و همکاران، ۱۳۹۴).

مشارکت فرایندی است که طی آن، فردی از طریق احساس تعلق به گروه و شرک فعالانه و داوطلبانه در آن به‌طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌یابد. مشارکت مفهومی چندبعدی است که در یکی از معانی آن بیان شده است که مشارکت به‌معنی بسیج اجتماعی است و بر بسیج مردم برای اجرای پروژه‌های توسعهٔ اجتماعی‌اقتصادی اشاره می‌کند (شفیعی و همکاران، ۲۰۱۳). مشارکت یعنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی مشخص که در آن پیگیری اقدامات به‌صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد (شریفیانی ثانی،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

۱۳۸۰). مشارکت فعالیت ذهنی و عاطفی و رفتاری اشخاص در شرایط گروهی است که آنان را برای کمک به یکدیگر برای دستیابی به هدف‌های مشترک برمی‌انگیزاند (کارسون و برکس[۷]، ۲۰۰۶). برخلاف گذشته، امروزه از دیدگاه مشارکتی بر گزینهٔ کار با مردم برای مردم تأکید می‌گردد. به این سان، توانمندسازی مردم روستایی کمک مؤثری به آنان برای تشخیص و تجزیه‌وتحلیل مسائل و رویدادها و در نتیجه، تصمیم مقتضی در مواجهه با شرایط پیش‌بینی‌نشده و متغیر می‌نماید (حیاتی و همکاران، ۱۳۸۶). مشارکت‌ندادن جوامع روستایی در جریان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و اجرا، استقبالی در استفاده و بهره برداری از آن به عمل نمی‌آورد. برای اینکه چنین مشکلی بروز نکند، باید هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، روستاییان مشارکت داشته باشد. حتی از آن‌ها خواسته شود که در مرحلهٔ اجرا و نگهداری و ارزیابی نیز به‌صورت فعال شرکت کنند که آن از طریق تشکیل کمیته‌های مردمی (کمیتهٔ آبادانی و پیشرفت روستا) امکان‌پذیر خواهد بود (نجفی کانی، ۱۳۹۱). رابرت پانتام (۲۰۰۲) معتقد است آنچه سبب افزایش مشارکت می‌شود، اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی به وجود می‌آید. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی است که دربرگیرندهٔ انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور شرکت در تعیین سرنوشت خودشان و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). گفتنی است که بدون مشارکت، راهبردهای توسعه غیرمردمی و بی‌نتیجه خواهند بود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از رویکردها در تقویت بنیهٔ اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی روستاییان و توانمندی آنان در زمینه‌های مختلف، راه‌اندازی صندوق‌های خرد محلی روستایی است. نهادهای توسعهٔ روستایی، برنامهٔ صندوق‌های خرد محلی را در قالب همکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های، شغلی به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی و مقابله با فقر و توانمندسازی جامعهٔ روستایی مطرح کرده‌اند (یعقوبی، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت سرمایهٔ اجتماعی درتوسعهٔ پایدار محلی، در این راستا این پژوهش، میزان روابط اعتماد و مشارکت بین زیرگروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای شهید بهشتی و مرادآباد و جیزآباد شهرستان باخرز استان خراسان رضوی بررسی شده است. در این مقاله، سعی بر آن است از طریق روش تحلیل شبکه‌ای، به سؤال زیر پاسخ داده شود:

میزان اثر پیوندهای مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی روستاهای هدف در این تحقیق، در قبل و بعد از اجرای پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی (یک سال بعد از اجرای پروژه) چگونه بوده است؟

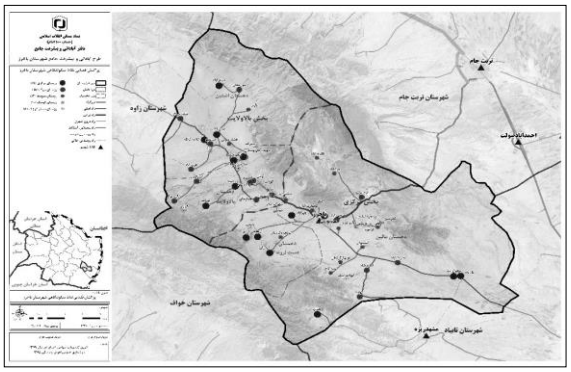
روش تحقیق

منطقهٔ موردمطالعه

شهرستان باخرز در جنوب‌شرقی استان خراسان رضوی قرار دارد که از شمال به شهرستان تربت‌جام، از جنوب به شهرستان خواف، از شرق به شهرستان تایباد و از غرب به شهرستان زاوه محدود شده است. شهرستان باخرز به‌لحاظ ساختار اداری‌سیاسی از دو بخش و چهار دهستان و یک شهر و ۵۴ روستا تشکیل شده است (تصویر شماره ۱). جامعهٔ هدف تحقیق، این سه روستا هستند: شهید بهشتی (بخش بالاولایت و دهستان بالاولایت)؛ روستای مرادآباد (از بخش مرکزی و دهستان مالین)؛ روستای جیزآباد (بخش مرکزی و دهستان دشت ارزنه) از توابع شهرستان باخرز. پروژهٔ طرح آبادانی و پیشرفت منظومه در آن‌ها اجرا و پیاده‌سازی شده است. مساحت شهرستان ۱۱۲۰

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

کیلومترمربع و فاصله تا مرکز استان ۲۰۸ کیلومتر است. سیمای جمعیتی شهرستان باخرز از ۵۲۳۵۸ نفر، ۱۱۱۷۴ نفر (معادل ۲۱/۳٪) جمعیت شهری و ۴۱۱۸۴ نفر (معادل۷۸/۷٪) جمعیت روستایی تشکیل شده است.



ت۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان باخرز

روش‌شناسی تحقیق

در این مقاله، روابط اعتماد[9] و مشارکت[10]، از مؤلفه‌های مهم سرمایهٔ اجتماعی، بین کنشگران شبکه (اعضای گروه‌های خرد توسعهٔ روستایی) در مراحل مختلف زمانی قبل از اجرای پروژه در سال ۱۳۹۹ و پس از اجرای پروژه در سال ۱۴۰۰ تحلیل و ارزیابی شده است. در ابتدا با توجه به خصوصیات مشارکت‌پذیری و روابط اجتماعی گروه‌ها و مشاهدهٔ مستقیم (حضور و ارتباط مستمر روزانه در روستاهای هدف تحقیق) و مصاحبهٔ فردی با افراد، گروه‌های خرد توسعه تعیین شدند که شامل ۹ گروه (شامل ۴۱ زن و ۵۵ مرد) می‌شوند و در روستاهای هدف تحقیق، سکونت دائمی دارند. این افراد از طیف کشاورز، دامدار، فرهنگی و فعال اجتماعی روستاییان‌اند. ساکنان روستاهای هدف تحقیق حاضر در قالب گروه‌های ۱۵- ۱۰نفره از ابتدای پروژه مشارکت فعالی داشتند که پس از گذشت یک سال از پروژه و آشنایی با اهداف طرح و پس از تدوین پرسش‌نامهٔ تحلیل شبکه‌ای، با راهنمایی تسهیل‌گران، به تکمیل آن پرداختند. به‌منظور بررسی روابط درون‌گروهی و سنجش میزان سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی در روستاهای موردنظر، میزان روابط اعتماد و مشارکت بین اعضای گروه‌ها در یک شبکه تحلیل شد. روش نمونه‌گیری درتحقیق حاضر شبکهٔ کامل و رویکرد و روش تحقیق بر مبنای روش تحلیل شبکه است تا بتوان با استفاده از آن، اثربخشی پروژهٔ موردنظر را در طول یک سال گذشتهف از نگاه اجتماعی بررسی کرد.

معرفی پروژهٔ مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی با رویکرد اجرای طرح آبادانی و پیشرفت منظومه

پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی در شهرستان باخرز استان خراسان رضوی با هدف انسجام سازمانی و تقویت تعاملات اجتماعی، توسعهٔ اقتصاد محلی در راستای تشکیل و ایجاد صندوق‌های خرد روستایی و نیز انجام مطالعات و تدوین سند روستایی و شهرستان در منطقهٔ مذکور انجام شد. صندوق‌های خرد محلی با نگاه انسجام و سازماندهی جوامع روستایی با اهداف زیر در مناطق روستای تشکیل می‌گردد: توانمندسازی جامعهٔ محلی از طریق ایجاد بستری مناسب برای مشارکت جمعی در قالب گروه‌های خرد پس‌انداز؛ ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی اعضا از طریق برنامه‌های آموزشی؛ افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد از طریق پرداخت وام‌های کوچک برای انجام فعالیت‌های درآمدزا؛ دسترسی آسان به منابع مالیغ تقویت اقتصاد خانواده‌های جامعهٔ زنان روستایی؛ تقویت روحیهٔ مشارکتی در کسب‌وکارهای جمعی و مشارکتی؛ کاهش فقر در مناطق روستایی و عشایری؛ حمایت از تعاونی‌ها در تأمین نیاز مالی.

روش تحلیل شبکه[11]

رویکرد ساختاری در علوم اجتماعی، بر مطالعهٔ تعاملات میان کنشگران اجتماعی تمرکز دارد و تحلیل

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

شبکهٔ اجتماعی نامیده می‌شود. این کنشگران می‌توانند انسان‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و موارد متعدد دیگر باشند. بنیان رویکرد شبکهٔ اجتماعی در این ایدهٔ اولیه نهفته است که الگوهای ارتباطات بین کنشگران اجتماعی پیامدهای مهمی برای آن کنشگران دارند. بنابراین تحلیل شبکه، به‌دنبال آن آشکارسازی این الگوها و سگس شناسایی شرایط ایجاد آن‌ها و همچنین بررسی گیامدهای آن‌ها هستند(اکبری‌تبار و همکاران، ۲۰۱۱). تحلیل شبکهٔ اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی است که در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منابع طبیعی و مطالعهٔ سیستم‌های اجتماعی‌اکولوژیکی در چند سال اخیر مدنظر محققان قرار گرفته است (بادین و پرل، ۲۰۱۱؛ پرل و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین ابزاری مناسب برای کمی‌سازی روابط بین کنشگران مختلف (بهره‌برداران و سازمان‌های دولتی) به شمار می‌آید. در پایان نیز داده‌های جمع‌آوری‌شدهٔ پژوهش حاضر در نرم‌افزار UCINET نسخهٔ ۶ (بورگاتی[۱۲] و همکاران، ۲۰۰۲) تحلیل شدند. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها، سند برنامهٔ عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاسی در توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است (قربانی، ۱۳۹۴). در ادامه، برخی شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف‌شدهٔ این پژوهش اندازه‌گیری شده‌اند، در جدول شمارهٔ ۱ توصیف می‌شوند.

ج۱. شاخص‌های تحلیل شبکه‌ای در راستای سنجش اعتماد و مشارکت

شاخص	توصیف
تراکم شبکه[۱۳]	این شاخص به‌صورت نسبت تعداد همهٔ پیوندهای موجود به همهٔ پیوندهای ممکن تعریف می‌شود و بیانگر میزان همبستگی شبکه است. تراکم شبکه محدوده‌ای بین صفر و ۱۰۰درصد است (راسخی، ۱۳۹۳). تراکم بالا در شبکه، میزان بیشتر انسجام در شبکه را نشان می‌دهد؛ زیرا بیشتربودن تراکم، افزایش اعتماد و تسهیل در اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع، همچنین افزایش مشارکت و همکاری بین ذی‌نفعان را در پی خواهد داشت، بنابراین میزان سرمایهٔ اجتماعی بیشتر می‌شود و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابند (لینرت[۱۵] و همکاران، ۲۰۱۳؛ نویگ[۱۴] و همکاران، ۲۰۱۰).
دوسویگی پیوندها در شبکه[۱۶]	به‌منظور میزان پایداری شبکهٔ روابط و میزان متقابل‌بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می‌شود. هرچه میزان این شاخص در شبکهٔ روابط بیشتر باشد، بیانگر بیشتربودن میزان روابط متقابل سازندهٔ بین افراد حاضر در شبکه است و پایداری شبکهٔ روابط را تضمین می‌کند. همچنین میزان بالای دوسویگی پیوندها در شبکه، سبب افزایش سرمایهٔ اجتماعی شبکه خواهد شد و میزان تاب‌آوری سیستم اجتماعی در مقایسه با تغییرات و تنش‌های محیطی افزایش خواهد یافت (اندرسون[۱۷]، ۲۰۱۷).
انتقال‌یافتگی پیوندها در شبکه[۱۸]	مفهوم این شاخص بیان می‌کند که اگر کنشگر A یک پیوند با کنشگر B و کنشگر B یک پیوند با کنشگر C داشته باشد، شاخص انتقال‌یافتگی، فرصت و شانسی است که سبب می‌شود کنشگر A با C پیوند برقرار کند (هنمن و ریدل[۱۹]، ۲۰۰۵). این شاخص نیز برای تحلیل میزان پایداری و میزان توازن و تعادل روابط در یک شبکه به کار می‌رود و به‌صورت درصد نمایش داده می‌شود. هرچه روابط سه‌گانه میان ذی‌نفعان بیشتر باشد، شبکه متعادل‌تر و متوازن‌تر و شکنندگی آن کمتر خواهد بود. در واقع، هرچه میزان انتقال‌یافتگی پیوندها بیشتر باشد، نشان‌دهندهٔ استحکام و پایداری بیشتر روابط در شبکه و استواری و شکنندگی در مواقع بحرانی است (رحیمی بالکانلو، ۱۳۹۳).
کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر (میانگین فاصلهٔ ژئودوزیک)[۲۰]	این شاخص نشان‌دهندهٔ میزان کوتاه‌ترین مسیر بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت است (اسکات[۲۱]، ۲۰۰۰). هرچه میزان این شاخص بیشتر باشد، سرعت گردش و پخش اعتماد، همچنین پیوندهای مشارکتی بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی درجامعه بیشتر می‌شوند. بنابراین به زمان کمتری برای اعتمادسازی در شبکه نیاز است و هماهنگ‌کردن افراد در شبکه برای اجرای مدیریت مشارکتی با زمان کمتری روبه‌رو خواهد شد (سالاری، ۱۳۹۳).

مشارکت

مشارکت معانی چندگانه‌ای دارد. در معنی نخست، حضور فعلانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد و در معنای دوم، از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در آن خبر می‌دهد. مشارکت با بازتوزیع قدرت سیاسی و اقتصادی در مسیر توسعه پیوند دارد. مشارک مردمی جزء حیاتی راهبردهای توسعه است که سه عملکرد عمده دارد: احساس ارزشمندی مردم را تضمین می‌کند؛ ابزار ارزشمندی برای بسیج و سازماندهی و تعالی‌بخشیدن به فعالیت‌های توسعهٔ مردم به شمار می‌رود؛ به‌مثابه کانالی است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن، به عرصه‌های کلان و بزرگ‌تر تصمیم‌گیری دسترسی یابند. بدون مشارکت، راهبردهای توسعهٔ غیرمردمی بی‌نتیجه خواهند بود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۲).

اعتماد

بعد دیگر سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد است که پیش‌شرط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

مشارکت و همکاری است و بقا و پایداری روابط بین کنشگران، به اعتماد افراد به یکدیگر وابسته است. اعتماد، مؤلفهٔ مهم سرمایهٔ اجتماعی است. مشارکت و اعتماد دو متغیر وابسته به یکدیگرند. اعتماد ناشی از زندگی معاشرتی قوی است و به‌صورت خودانگیخته، تقویت انجمن‌ها را تسهیل می‌کند. نظریهٔ سرمایهٔ اجتماعی فرض می‌کند که هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانهٔ اعتماد بیشتر ما به آن‌ها و برعکس خواهد بود (پانتام، ۱۹۹۵).

بحث و نتایج

با توجه به اهمیت نقش ذی‌نفعان محلی در مدیریت یکپارچهٔ سرزمین و دستیابی به توسعهٔ پایدار محلی، با استفاده از روش تحلیل شبکهٔ اجتماعی به بررسی ساختاری پیوندهای مختلف اجتماعی، از جمله اعتماد و مشارکت فردی ذی‌نفعان محلی در روستاهای جیزآباد و مراد آباد و شهید بهشتی پرداخته شد و در سطح کنشگران محلی پیوندهای مختلفی بررسی و تحلیل شدند که نتایج در جدول شماره ۲ گزارش شده‌اند. در شبکهٔ ذی‌نفعان محلی، پیوندهای اعتماد و مشارکت بر اساس مبانی نظری پژوهش و اهمیت برخی مؤلفه‌های اجتماعی در مدیریت یکپارچهٔ سرزمین و در راستای توسعهٔ پایدار روستایی، به‌عنوان جزء اساسی مدیریت مشارکتی یکپارچهٔ سرزمین سنجش شده‌اند.

ذی‌نفعان محلی در روستاهای شهیدبهشتی و جیزآباد و مرادآباد در مجموعِ ۹ گروه خرد توسعهٔ روستایی (انتخاب ۳ گروه از هر روستا) فعالیت می‌کنند که به‌منظور بررسی شاخص‌های مختلف در سطح کلان تحلیل شبکه، هریک از گروه‌ها در قالب یک شبکه در نظر گرفته و سنجیده می‌شوند. این بررسی و سنجش در دو مرحلهٔ پایش قبل از اجرا و بعد از اجرای پروژه (یک سال بعد از اجرای پروژه) انجام شده است.

در اولین گام به بررسی شاخص تراکم در سطح گروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای هدف پرداخته شد که نتایج در جدول شمارهٔ ۲ بیان شده‌اند. نتایج تحلیل و ارزیابی جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهند نحوهٔ عملکرد پروژه توان‌افزایی جوامع محلی طرح آبادانی و پیشرفت جامع، سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد فردی و مشارکت فردی و همکاری میان کنشگران را افزایش داده است. البته در برخی از گروه‌ها، انسجام اجتماعی در پیوندهای اعتماد و مشارکت در حد کم و ضعیف گزارش شد که این مهم، چالش بزرگی در مسیر دستیابی به توسعهٔ پایدار روستایی در منطقه است که پس از اجرای پروژه، این میزان افزایش یافته است. در واقع، این پروژه با افزایش روابط و اعتمادسازی میان کنشگران، بر میزان سرمایهٔ اجتماعی منطقه افزود که نتیجهٔ آن، افزایش توانمندی کنشگران در جامعهٔ روستایی و تحقق توسعهٔ پایدار است.

نتایج به‌دست‌آمده از روستای شهیدبهشتی بیانگر این‌اند که میانگین تراکم در پیوند اعتماد درمرحلهٔ قبل از اجرا برابر با ۳۳/۶۳درصد بوده است که میزان تراکم در پیوند اعتماد در مرحلهٔ دوم پایش و پس از اجرای پروژه به ۶۴/۴۶درصد افزایش یافته است. همچنین میزان تراکم در پیوند مشارکت در مرحلهٔ قبل از اجرا برابر با ۴۶/۱۳درصد بوده است که پس از اجرا به ۶۹/۶۳درصد رسیده است. نتایج به‌دست‌آمده از روستای مرادآباد بیانگر این است که میانگین تراکم در پیوند اعتماد در مرحلهٔ قبل از اجرا برابر با ۴۲/۲۶درصد بوده است که این میزان در مرحلهٔ دوم پایش و پس از اجرای پروژه به ۶۳/۳۳ درصد افزایش یافته است. همچنین میزان تراکم در پیوند مشارکت در مرحلهٔ قبل از اجرا برابر با ۵۵/۰۳ درصد بوده است که پس از اجرا به ۸۶/۴۶ درصد رسیده است. نتایج به‌دست‌آمده از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

روستای جیزآباد بیانگر این‌اند کـه میـانگین تـراکم در پیوند اعتمـاد در مرحلـهٔ قبـل از اجـرا برابـر بـا ۵۲/۴۳ درصد بوده است که این میزان در مرحلـهٔ دوم پـایش و پس از اجرای پـروژه بـه ۷۸/۵۳ درصـد افـزایش یافتـه است. همچنین میزان تراکم در پیوند مشارکت در مرحلهٔ قبل از اجرا برابر با ۵۰/۲۳ درصدبوده است کـه پـس از اجرا به ۶۶/۵ درصد رسیده است.

بر اساس نتایج حاصل می‌توان گفت تراکم پیونـدهای اعتماد و مشارکت طی مرحلـهٔ ارزیـابی، افـزایش یافتـه است. پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی بـا حرکـت در مسیر افـزایش تعـداد پیونـدهای اعتمـاد و مشـارکت و انسجام اجتماعی و به‌تبع آن، سرمایهٔ اجتماعی، بسـتری مناسب برای تحقق مطلوب توسـعهٔ پایـدار روسـتایی را محقق کرده است.

ج۲. اندازهٔ شاخص تراکم و دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها در سطح زیرگروه‌های روستاهای شهیدبهشتی و مرادآباد و جیزآباد

مرز اکولوژیک	نام گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحله قبل از اجرای پروژه			مرحله بعد از اجرای پروژه		
				دوسویگی (٪)	انتقال یافتگی (٪)	تراکم (٪)	دوسویگی (٪)	انتقال یافتگی (٪)	تراکم (٪)
روستای شهید بهشتی	شهید فخری زاده	اعتماد	۱۰	۱۸/۳	۲۱/۲	۳۰/۱	۸۶/۷	۸۷/۵	۶۳/۵
		مشارکت	۱۰	۲۰/۴	۲۷/۶	۳۳/۲	۵۰/۴	۶۶/۸	۷۰/۵
	چمران	اعتماد	۱۰	۱۳/۶	۲۲/۸	۳۰/۳	۸۰/۵	۸۸	۵۶/۷
		مشارکت	۱۰	۳۶/۳	۴۸/۸	۵۷/۸	۴۸/۳	۵۵/۷	۶۰/۱
	شهید شهریاری	اعتماد	۱۰	۲۰/۵	۳۳/۴	۴۰/۵	۷۵/۳	۸۰/۶	۷۳/۲
		مشارکت	۱۰	۵۰	۵۶/۶	۴۷/۴	۸۰/۴	۸۴/۱	۷۸/۳
روستای مرادآباد	تلاش	اعتماد	۱۱	۳۳/۳	۲۳/۲	۴۷/۳	۷۰/۵	۸۵/۲	۶۵/۳
		مشارکت	۱۱	۳۴/۵	۳۰/۳	۵۸/۲	۸۷/۷	۸۳	۶۱/۶
	وحدت	اعتماد	۱۱	۱۴/۴	۱۱/۴	۲۰/۱	۴۳/۲	۵۳/۷	۵۸/۸
		مشارکت	۱۱	۴۵/۳	۳۳/۳	۶۰/۳	۸۲/۵	۸۵/۳	۶۲/۲
	انصاف	اعتماد	۱۱	۴۵/۵	۳۰/۵	۵۹/۴	۵۶/۷	۵۵/۳	۶۵/۹
		مشارکت	۱۱	۳۴/۶	۲۰/۶	۴۶/۶	۸۰/۸	۷۹/۴	۷۴/۶
روستای جیزآباد	همدلی	اعتماد	۱۰	۴۳/۷	۳۶/۶	۴۳/۷	۷۷/۷	۷۲/۱	۷۸/۹
		مشارکت	۱۰	۳۰/۹	۱۹/۷	۳۳/۳	۴۴/۲	۲۱/۹	۴۰/۳
	سلطان	اعتماد	۱۰	۵۵/۴	۴۵/۸	۶۵/۲	۹۵/۴	۸۸/۷	۷۶/۶
		مشارکت	۱۰	۶۹/۲	۴۹/۱	۶۸/۶	۶۵/۱	۷۳	۸۴
	شهید حاج اسحاق اسدی	اعتماد	۱۰	۳۵/۳	۲۶/۱	۴۸/۴	۷۱/۴	۸۳/۵	۸۰/۳
		مشارکت	۱۰	۲۷/۱	۲۶/۲	۴۸/۸	۷۱	۶۲/۱	۷۵/۲

نتایج جدول شمارهٔ ۲ میزان دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندهای اعتماد و مشارکت را میـان گـروه‌هـای خـرد توسعهٔ مختلف در روستاهای شهیدبهشـتی و مرادآبـاد و جیزآباد در مرحلهٔ پایش قبل از اجرای پـروژه و بعـد از اجرای آن نشان می‌دهند. همان گونـه کـه پـیش از ایـن اشاره شد، شاخص دوسویگی پیوندها نشان‌دهندهٔ میزان نهادینه‌شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت و پایبنـدی بـه هنجارها و عرف‌های محلی میان ذی‌نفعـان و در نتیجـه، پایداری شبکه است که با توجـه بـه جـدول شـماره ۲، میـانگین دوسـویگی بـرای روسـتای شهیدبهشـتی در شاخص اعتمـاد و مشـارکت در قبـل از اجـرای پـروژه ۱۷/۴۶ و ۳۵/۵۶ درصد، برای روستای جیزآبـاد ۴۴/۸ و ۴۲/۴ درصد و مرادآباد ۳۱/۰۶ و ۳۸/۱۳ درصد بوده‌انـد. شاخص اعتماد و مشارکت در بعد از اجرای پروژه برای سه روستای مذکور، روند روبه‌افزایش داشـته اسـت. بـا توجه به تغییرات ثبت‌شـده در جـدول شـمارهٔ ۲، در دو مرحله نشان می‌دهد تقویت پیونـد اعتمـاد و مشـارکت میان کنشگران به‌خوبی در پروژه انجام شده است. البتـه با توجه به نتایج، در شبکهٔ اعتمـاد کنشـگران، وضـعیت کلی پایداری متوسط روبه‌زیاد، اما در شـبکهٔ مشـارکت،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

در حالت کلی، همچنان در وضعیت پایداری خوب روبه‌زیاد است. ازاین‌رو، تقویت پیوندها در دو شبکهٔ بررسی‌شده، به‌ویژه در شبکهٔ اعتماد ضروری است.

از دیگر شاخص‌های موردنظر شاخص انتقال‌یافتگی است که افزایش میزان آن از ضروریات در راستای دستیابی به شبکهٔ پایدار با تاب‌آوری بالاست. همان گونه که پیش از این گفته شد، این شاخص در واقع روابط سه‌گانه و مثلثی و تعادل و توازن را در شبکه نشان می‌دهد و هرچه اندازهٔ این شاخص در شبکه‌ای بیشتر باشد، آن شبکه متعادل‌تر و شکنندگی آن مقابل تغییرات و بحران‌های احتمالی به‌وجودآمده کمتر است. با توجه به نتایج جدول شمارهٔ ۲ و با مقایسهٔ نتایج دو مرحلهٔ پایش، می‌توان گفت که پروژه روند مثبت و روبه‌رشدی را طی کرده است و میزان تعادل و پایداری روابط در شبکهٔ افراد افزایش یافته است و شبکه‌ای متعادل ایجاد شده است که روح تعاون و همکاری در آن قرار گرفته است.

میانگین فاصلهٔ ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت میان گروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای شهید بهشتی و مرادآباد و جیزآباد

هرچه میزان میانگین کوتاه‌ترین مسیرها کاهش یابد، سرعت گردش اعتماد و مشارکت بین ذی‌نفعان بیشتر می‌شود و اتحاد و یگانگی بین افراد افزایش می‌یابد. در نتیجه، افراد با سرعت بیشتر و در زمان کوتاه‌تری به یکدیگر دسترسی خواهند داشت که این امر در افزایش اعتماد میان کنشگران اهمیت بسزایی دارد. ازاین‌رو، در راستای پایش و ارزیابی عملکرد پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی، این شاخص در دو مرحلهٔ قبل از اجرا و بعد از اجرای پروژه برای پیوندهای اعتماد و مشارکت و در سطح گروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای شهیدبهشتی و مرادآباد و جیزآباد بررسی شده است. با توجه به نتایج جدول شمارهٔ ۳، فعالیت‌های انجام‌شده در قالب پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی موجب افزایش میزان اتحاد و یگانگی گروه‌های خرد روستاها می‌شوند. در نتیجه، افراد با سرعت بیشتری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای کاربردی‌کردن فرایندهای جمعی، زمان کمتری را صرف می‌کنند. در نهایت نیز اعتمادسازی و همکاری با سرعت بیشتری رخ می‌دهند. در نهایت، با توجه به افزایش اتحاد و یگانگی گروه‌های موردبررسی می‌توان بیان کرد که در روستاهای شهید بهشتی و مرادآباد و جیزآباد، دستیابی به توسعهٔ پایدار در زمان کمتری محقق خواهد شد.

ج۳. شاخص میانگین فاصلهٔ ژئودوزیک پیوند اعتماد و مشارکت در گروه‌های خرد روستاهای شهیدبهشتی و جیزآباد و مرادآباد

مرز اکولوژیک	نام گروه	نوع پیوند	تعداد افراد	مرحلهٔ قبل از اجرای پروژه	مرحلهٔ بعد از اجرای پروژه
				میانگین فاصلهٔ ژئودوزیک	میانگین فاصلهٔ ژئودوزیک
روستای شهید بهشتی	شهید فخری زاده	اعتماد	۱۰	۱/۲۹	۱/۱۶
		مشارکت	۱۰	۱/۲۶	۱/۱۲
	چمران	اعتماد	۱۰	۱/۴۳	۱/۲۲
		مشارکت	۱۰	۱/۳۷	۱/۱۵
	شهید شهریاری	اعتماد	۱۰	۱/۲۳	۱/۱۱
		مشارکت	۱۰	۱/۲۷	۱/۰۲
روستای مرادآباد	تلاش	اعتماد	۱۱	۱/۶۰	۱/۱۸
		مشارکت	۱۱	۱/۴۱	۱/۱۶
	وحدت	اعتماد	۱۱	۱/۴۱	۱/۱۶
		مشارکت	۱۱	۱/۳۹	۱/۲۰
	انصاف	اعتماد	۱۱	۱/۴۰	۱/۱۰
		مشارکت	۱۱	۱/۶۰	۱/۴۲
روستای جیزآباد	همدلی	اعتماد	۱۰	۱/۱۱	۰/۹۴
		مشارکت	۱۰	۱/۸۷	۱/۶
	سلطان	اعتماد	۱۰	۱/۰۱	۰/۹۷
		مشارکت	۱۰	۱/۳۳	۱/۱۲
	شهید حاج اسحاق اسدی	اعتماد	۱۰	۱/۳۴	۱/۱۵
		مشارکت	۱۰	۱/۴۵	۱/۲۳

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

نتیجه

توسعه در معنای عام و توسعهٔ روستایی در معنای خاص، با توجه به روح پویایی و نیز الزامات تشخیص‌داده‌شده برای آن، باید از درون جوامع شکل بگیرد و در این راستا، از منابع دستگاه‌هایی بهره گیرد که امکان دسترسی به آن‌ها مقدور و محتمل باشد. حوزه‌های روستایی به‌عنوان قاعدهٔ نظام و فعالیت ملی نقشی اساسی در توسعهٔ ملی ایفا می‌کنند؛ زیرا توسعهٔ پایدار سرزمین در گِرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل‌دهندهٔ نظام سرزمین است. روستاها یکی از مهم‌ترین عناصر ساختار اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی سکونتگاه‌های انسانی کشورند که توجه به توسعهٔ آن‌ها در فرایند توسعهٔ ملی، بسیار اساسی و کلیدی استغ زیرا به‌دلیل داشتن حجم عظیمی از منابع طبیعی و منابع انسانی کشور، نقش مهمی در برقراری تعادل‌های فضایی ایفا می‌کنند. به همین دلیل، توجه به جایگاه روستاها در فرایند برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و تقویت جایگاه روستاها کمک‌کننده و تسریع‌کنندهٔ روند توسعهٔ ملی است (رضوانی، ۱۳۸۳).

در این پژوهش، پایش و ارزیابی سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی بین اعضای گروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای شهید بهشتی و مرادآباد و جیزآباد از توابع شهرستان باخرز استان خراسان رضوی از طریق بررسی و تحلیل دو پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی و سنجش شاخص‌های سطح کلان شبکه (چون تراکم، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی و کوتاه‌ترین فاصله میان دو کنشگر استفاده از روش تحلیل شبکهٔ اجتماعی) صورت گرفته است. نتایج پایش و ارزیابی بر روند صعودی و روبه‌رشد شاخص‌های یادشده در بعد از اجرای پروژه دلالت دارند که می‌توان آن را به اجرای پروژهٔ توانمندسازی جوامع محلی و تأثیر آن در این زمینه نسبت داد. میزان تراکم در پیوندهای اعتماد و مشارکت و در نتیجه، سرمایهٔ اجتماعی در حد متوسط بوده است که با تشکیل گروه‌های خرد توسعه، این میزان افزایش یافته است. اعتماد و مشارکت بین اعضای گروه‌ها در روستاهای مذکور به افزایش ارتباطات و تعاملات میان آن‌ها منجر شده است و داده‌ها و اطلاعات میان افراد سریع‌تر به جریان درمی‌آیند. همچنین گردش دانش و تجربیات اعضا در نتیجهٔ ارتباطات مستمر و پایدار مبتنی بر اعتماد، سبب افزایش انسجام و سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی می‌شوند که ارتقا و نوآوری گروهی و کارآفرینی را به دنبال خواهند داشت که زمینه‌ساز توسعهٔ پایدار روستایی‌اند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قربانی، ۱۳۹۴؛ سالاری، ۱۳۹۳؛ رحیمی، ۱۳۹۳؛ علی‌بابایی و همکاران، ۱۳۹۴، بالت و همکاران، ۲۰۰۷؛ پترو و داسکالوپولو، ۲۰۱۳).

بررسی شاخص دوسویگی نشان می‌دهد تقویت پیوندهای اعتماد و مشارکت متقابل میان سرگروه‌های این روستاها و نهادینه‌شدن این پیوندها بین افراد الزامی است؛ زیرا وجود اعتماد و مشارکت متقابل سبب ایجاد شبکه‌ای پایدار می‌شود که در آن، روح اعتماد، همکاری و تعاون، همچنین پایبندی به سنت‌ها و عرف‌های محلی بین افراد نهادینه می‌گردند. همچنین این امر به افزایش سرمایهٔ اجتماعی منجر می‌شود و برنامه‌ریزی مشارکتی در راستای توسعهٔ پایدار روستایی با هزینه و زمان کمتری همراه است و سبب تقویت فرایندهای مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های مربوط خواهد شد (قربانی، ۱۳۹۴؛ سالاری، ۱۳۹۳؛ پیلکرت[۲۲] و همکاران، ۲۰۰۷). در ادامه، نتایج شاخص میانگین فاصلهٔ ژئودزیک نشان از کاهش این فاصله در پیوندهای اعتماد و مشارکت در مراحل بعد از اجرای پروژه دارند. بر اساس این، با کاهش میزان این شاخص، افراد در کمترین زمان ممکن و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

بالاترین سرعت با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و به‌دلیل اتحاد و یگانگی زیاد بین آنان، بسیج منابع اجتماعی با سرعت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرد. همچنین تحقق سرمایه و توانمندی اجتماعی و به‌دنبال آن، رسیدن به توسعهٔ پایدار نیز در زمان کوتاهی صورت می‌گیرند (سالاری، ۱۳۹۳؛ رحیمی بالکانلو، ۱۳۹۳). میانگین فاصلهٔ ژئودزیک با توجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ‌کردن بهره‌برداران در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به‌ویژه مشارکت برای افزایش سرعت گردش این پیوند بین افراد و کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین بهره‌برداران در راستای تحقق توسعهٔ پایدار محلی بسیار مهم است. با توجه به ارزیابی میزان سرمایهٔ اجتماعی در دو مرحلهٔ قبل و بعد از پروژه، می‌توان ادعا کرد که اجرای پروژهٔ توان‌افزایی جوامع محلی در اعتمادسازی برای تقویت روحیهٔ مشارکت و همکاری بین اعضای گروه‌های خرد توسعهٔ روستاهای شهیدبهشتی و مرادآباد و جیزآباد و در نتیجه، ایجاد بستر مناسب برای دسترسی به توسعهٔ پایدار محلی موفقیت‌آمیز بوده است.

در نهایت، می‌توان بیان کرد که شناخت و استفادهٔ آگاهانه از سرمایهٔ اجتماعی درون و برون‌گروهیف فرصتی برای ایجاد ظرفیت در جهت مشارکت در توسعهٔ پایدار است (شفیعی، ۱۳۸۹). در این مقاله، بر بعد سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی به‌عنوان عامل مؤثر بر تقویت و حفظ اتحاد و وفاداری در افراد تأکید شده است (موسوی، ۱۳۹۱). به‌طور کلی، برای دستیابی به موفقیت در توسعهٔ پایدار روستاییف به تقویت سرمایهٔ اجتماعی از طریق تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و به‌دنبال آن، افزایش انسجام اجتماعی نیاز است. تشکیل کمیته‌های خرد توسعهٔ روستاییف از جمله راهکارهای افزایش تقویت اعتماد و مشارکت در بین افراد و ارتقای سرمایهٔ اجتماعی است؛ به‌طوری که سرمایهٔ اجتماعی در قالب تشکل‌های محلی سبب کاهش فقر و افزایش رفاه جامعه می‌شود که خودش بسترساز رسیدن به توسعهٔ پایدار روستایی است (شیروانیان و نجفی، ۱۳۹۰).

پی‌نوشت

1. Bullen, & Onyx
2. synoptic
3. Gulumser
4. Bodin and Prell
5. Cvetkovich and Winter
6. Vaske
7. Carlsson, L. and Berkes
8. Trust
9. Collaboration
10. Network Analysis
11. Borgatti
12. Putnam
13. Density
14. Lienert
15. Newig
16. Reciprocity
17. Anderson
18. Transitivity
19. Hanneman, R.A., Riddle
20. Geodesic distance
21. Scott
22. Pilkert

فهرست منابع

– ازکیا، مصطفی؛ حسنی راد، کریم. (۱۳۸۸)، نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعهٔ روستایی. پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی, دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱، ۷ –۲۷.
– ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری. (۱۳۸۸)، توسعهٔ روستایی با تأکید بر جامعهٔ روستایی ایران. چاپ سوم، نشر نی، تهران.
– رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ بدری، سیدعلی (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظریه‌ای برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
– پوررمضان عیسی؛ مجد رحیم‌آبادی، محمد. (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل مؤثر در توسعهٔ فیزیکی شهر رحیم‌آباد (شهرستان رودسر) طی دو دههٔ اخیر. دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۷، ۱۳۵ –۱۵۰.
– تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۵)، سرمایهٔ اجتماعی (اعتماد، دموکراسی، توسعه)، نشر پژوهش شیرازه، تهران.
– حیاتی، داریوش؛ مجتبی دهقان‌پور؛ نامجویان، زهرا .(۱۳۸۶)،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

راهبرد مشارکت مردم در توسعهٔ روستایی با نگرشی بـه تجربـهٔ اجرای پروژهٔ توانمندسازی اهالی روستاهای منطقـهٔ کـامفیروز فارس. دومین همایش ملی توسعهٔ روستایی در ایران، مؤسسـهٔ توسعهٔ روستایی.

– دوغایی، محمد. (۱۳۹۲)ف راهکارهـای انگیزشـی مشـارکت مـردم در توسـعهٔ پایـدار محلـه‌ای. همـایش ملـی معمـاری، شهرسازی و توسعهٔ پایدار با محوریت معماری بـومی تـا شـهر پایدار، مشهد.

– رحیمی بالکانلو، خدیجهغ قربانی، مهـدی؛ جعفـری، محمـد؛ طویلیف علی. (۱۳۹۵)، سنجش و مقایسهٔ سلامت بوم‌شـناختی در سـه مرتـع منـاطق خشـک بـا اسـتفاده از تحلیـل عملکـرد چشم‌انداز (LFA)؛ (منطقهٔ موردمطالعـه: منطقـهٔ کلاتـه‌رودبـار، شهرستان دامغان). دورهٔ ۴، شمارهٔ۷، ۳۵ –۴۵.

– ریاحی، وحید و همکاران. (۱۳۹۲)، بررسی و ارزیابی سرمایهٔ اجتمـاعی و عوامـل مـؤثر بـر آن در بـین روسـتاییان (مطالعـهٔ موردی: منطقهٔ اورامانات اسـتان کرمانشـاه). مجلـهٔ پـژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شمارهٔ ۱، ۴-۲۴.

– سلمانی، محمد؛ تقی‌پور، فریده؛ رمضان‌زاده، مهدی؛ جلیلـی، زهرا. (۱۳۸۷)، بررسی ابعاد سرمایهٔ اجتماعی (مشارکت مـدنی، تعامل اجتماعی و اعتماد) در توسعهٔ روستایی؛ (مطالعهٔ موردی: روستاهای باغستان و برون شهرستان فردوس)، مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ ۱۲، ۲۳–۴۵.

– سـالاری، فاطمـه. (۱۳۹۳)، مـدل‌سـازی و تحلیـل شـبکهٔ تصدیگری آب در حوضـهٔ آبخیـز رزیـن کرمانشـاه. پایـان‌نامـهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

– سالاری سـردری، فرضـعلی؛ بیرانونـدزاده، مـریم؛ علـی‌زاده، سـیددانا. (۱۳۹۳)، نقـش سـرمایهٔ اجتمـاعی در توسـعهٔ پایـدار محلی؛ (مطالعهٔ موردی: سکونتگاه‌های شهری و روستایی منطقهٔ عسلویه). دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱۹، ۷۷ –۸۸.

– شـریفیان ثـانی، مـریم. (۱۳۸۰)، فرهنـگ شـهری: مشـارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. مدیریت شهری و روستایی، ۸(۲)، ۴۲–۵۵.

– شفیعی، مهدی؛ عبدالحسنی، محسن؛ یاری، علیرضـا؛ کـارگر، عباس. (۱۳۹۲)، مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و برنامـه‌ریـزی توسعهٔ روستایی، انتشارات شعرا، مشهد.

– صالحی شانجانی، پروین. (۱۳۸۴)، رویکرد حفاظتی به منـابع ژنتیکی جنگل‌های شمال کشور. شمارهٔ ۶۹، ۶۰ –۶۶.

عوض‌پور، لیلا؛ قربانی، مهدی؛ عرفـان‌زاده، رضـا؛ رمضـان‌زاده، مهدی. (۱۳۹۷)، سنجش و تحلیل تاب‌آوری بهره‌برداران مرتـع در مواجهه با سیر قهقرایی اکوسیستم‌های طبیعیغ (موردمطالعـه: روستای نردین، شهرستان میامی، استان سمنان)، ۱۰۵–۱۱۵.

– غفـاری، غلامرضـا. (۱۳۹۰)، سـرمایهٔ اجتمـاعی و امنیـت انتظامی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

– فراهانی، حسین؛ عینـالی، جمشـید؛ سـمیه، عبـدلی. (۱۳۹۲)، ارزیابی نقش سـرمایهٔ اجتمـاعی در توسـعهٔ نـواحی روسـتایی. فصلنامهٔ تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سـال ۱۳، شـمارهٔ ۲۹، ۲۷–۵۰.

– قربانی، مهدی؛ عـوض‌پـور، لـیلا؛ راسـخی، مـریم. (۱۳۹۴)، الگوی ایرانی مشارکت توانمندسازی جوامع محلی بـا رویکـرد شبکهٔ اجتماعی. دانشکدهٔ منابع طبیعی دانشگاه تهران.

– قربـانی، مهـدی. (۱۳۹۱)، نقـش شـبکه‌هـای اجتمـاعی در سازوک. دورهٔ ۲، شمارهٔ ۶، ۱۸۱–۲۰۹.

– موسـوی، میرطـاهر. (۱۳۸۵)، مشـارکت اجتمـاعی؛ یکـی از مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی. دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲۳، ۶۷ –۹۲.

– نجفی کان، علی‌اکبر؛ میرزاعلی، محمـد. (۱۳۹۱)، بررسـی و سنجش میزان مشارکت مردم و نقـش آن در توسـعهٔ روسـتایی؛ (مطالعهٔ موردی: دهستان سـلطانعلی شهرسـتان گنبـدکاووس). مجلهٔ چشم‌انداز جغرافیایی، مطالعات انسانی، سال ششم، شمارهٔ ۲۰، ۱۳۷–۱۱۸.

- Akbaritabar, A. A., 2011. Study of Virtual Social Networks, Case study: Dore and U24 Social Networks, Master Thesis, Tarbiat Modarres Univesity. (In Persian).

- Amini, Fasahkodi, A., & Nouri Zamanabadi, S. H. (2011). [Sustainability assessment and croppin pattern determination in farming systems based on the optimization of soil and water resources utilization using non-linear mathematical programming models (Persian)]. Journal of Science and Technology of Agriculture and Natural Resources (Water and Soil Science), 15(55), 100-109

- Amundsen & Martinsen,. 2015. Linking Empowering Leadership to Job Satisfaction, Work Effort, and Creativity: The Role of Self-Leadership and Psychological Empowerment,. Journal of leadership & Organizational studies. 1548051814565819.

- Anderson, A. J., & Warner, S. (2017). Social network analysis as a complimentary tool to measuring team cohesion. Journal of Sport

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]
[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]

- Sarafi, M. (1999). [Principles of regional planning (Persian)]. Tehran: Plan and Budget Organization Publicatio
- Scott, J. (2000), Social Network Analysis, Sage, London.
- Shafiei, M., Abdolhoseini, M., Yari, A., Kargar, A. and Pouyafar, A.M. (2013). Natural resources participatory management and rural development planning in arid and semi-arid regions, Shoara Publication, Mashhad, 70p.
- Soltani-Arabshahi, M. (1383/2004). Development management (management discipline). Tehran: Ostadi publications. [In Persian].
- Vaske, J.J., Absher, J.D. and Bright, A.D., 2007, Salient Value Similarity, Social Trust and Attitudes toward Wildland Fire Management Strategies, Human EcologyReview,14(2),PP.223-232.
- https://doi.org/ 10.22034/40.176.31

Behavior, 40(1), 3.
- Bodin, O. and Prell, C. (2011). Social network in natural resources management, Cambridge University Press.
- Borgatti, E. and L. C. Freeman (2002)UCINET 6 for Windows: Software for Social Network Analysis, 1999-2002 Analytic Technologies.
- Bullen, P., & Onyx, J. (1999). Social Capital: Family Support Services and Neighbourhood and Community Center in New South Wales, Family Support Services Association and Sydney. Avialable at: http://www. mapl. com. au A, 12.
- Carlsson, L. and Berkes, F. (2005), "Co-management: concepts and methodological implications", Journal of Environmental, No. 75: 65-76.
- Cvetkovich G. and Winter P. L. (2003), "Trust and social representations of threatened and endangered species". Environment and Behavior, No. 2: 286–307.
- Gülümser, Aliye., Levent, Tüzin., Nijkamp, Peter. and Poot, Jacques., (2012), The role of local and newcomer entrepreneurs in rural development: A comparative meta- analytic study, Research Memorandum, Faculty of Economics and Business Administration, Vrije Universitrit Amsterdam.
- Ghorbani, M. (2012). The role of social networks in utilization mechanisms of Rangeland (Case Study: Taleghan region), Ph.D. thesis, Department of Natural Resources, Tehran University, 430P.
- Hanneman, R.A., Riddle, M. (2005), Introduction to social network methods, University of California Riverside, California. in the north of Khorasan). Unpublished PhD's thesis. Tarbiat Moaalem (Kharazmi) University, Tehran.
- Lienert J., Schnetzer, F., Ingold, K. (2013), "Stakeholder Analysis Combined With Social Network Analysis Provides Fine-Grained Insights in to War Infrastructure Planing Processes", Journal of Environmental Management, No.125: 134-148.
- Moldan, B., & Bilharz, S. (1381/2002). Sustainable development indices, (H. Tehrani, & N.
- Newig, J., Günther, D. and Pahl-Wostl, C. (2010), "Synapses in the network: learning in governance networks in the context of environmental management", Ecology and Society, No. 4: 24.
- Putnam, R.D., 1995, Bowling alone: Americas declining social capital, in: journal of Democracy, Vol. 6, No. 1, PP. 65-78.
- Prell, C., Hubacek, K. and Reed, M. (2009), "Stakeholder analysis and social network analysis in natural resource management", Journal of Society and Natural Resources, No. 22: 501–518.
- Pretty, J. and Ward, H. (2001), "Social Capital and the Environment", Journal of World Development, No. 2: 209–227.
- Rezvani, M.R (1383/2004). Introduction to rural development planning in Iran. Tehran: Ghoomes publication. [In Persian]
- Sadeghi, M.A. (1384/2005). Role of agricultural land integration in rural development and provision of
- Saedi, A. (1998). [Principles of rural geography (1st Ed.) (Persian)]. Tehran: Samt Publications.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-06]

[DOI: DOI: 10.22034/40.176.31]